

کرسی ترویجی عرضه و نفت ایده علمی

نهمین نشست تخصصی فقه شهر و شهر نشینی

چالش‌های پیش روی مکتب «نص‌گرایی» در حل مسائل فقه شهر

ارائه‌دهنده

حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفی‌دزی

پژوهشگر و مدرس حوزه علمیه قم

استادناقد

دکتر محمود حکمت‌نیا

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

دبیر علمی

حسین الهی خراسانی

پنجشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۹۷ ساعت ۱۰ صبح

زمان:

مکان: مشهد - خیابان آیت‌الله خزعلی - نبش گذر آیت‌الله طیبی - دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی - پژوهشکده اسلام تمدنی



شورای عالی انقلاب فرهنگی
مرکز پژوهش‌ها و مطالعات اجتماعی
(دوره علوم انسانی و معارف دینی)



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
پژوهشگاه علوم انسانی و معارف دینی



دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی

بسم الله الرحمن الرحيم

«بایسته های مکتب «نص گرای»»
و چالشهای آن در حل مسائل فقه شهر»

مصطفی دُرّی

رویکرد نص گرائی نه تنها در فقه، بلکه در سایر دانشهای اسلامی نظیر کلام نیز به عنوان رویکردی در مقابل رویکرد «عقل گرای» مطرح است. متعاطیان این رویکرد به مانند عقل گرایان، معتقد به درستی و کارآمدی انحصاری رویکرد خود در حل مسائل فقهی هستند.

در این نوشتار، ابتدا به بایسته های مکتب «نص گرائی» پرداخته می شود و سپس چالشهای این مکتب در حل مسائل فقه شهر، واگویه می شود. پیش از آن اما، این توضیح لازم است که بیان این چالشها، نه به معنای عدم وجود راه حل برای آنهاست و نه به معنای پیراستگی رویکردهای مقابل آن از چالش و دشواری در حل مسائل فقهی؛ بلکه صرفاً توضیحی در رابطه با چالشهای پیش روی متعاطیان این رویکرد است.

بایسته های مکتب «نص گرائی»

نص گرایی در مقابل عقل گرایی قرار دارد. با این وصف می توان بایسته های مکتب نص گرایی را در امور زیر دانست:

۱. تمرکز بر مدلول مطابقی و بعضاً مدالیل التزامی نصوص، نه لوازم عقلی آنها.
۲. عدم توجه به احکام عقلی، به بهانه احتمال تبعدی بودن حکم شارع در مسأله.
۳. عدم توجه به مقاصد شریعت و عدم تلاش جدی برای کشف ملاکات احکام.
۴. عدم توجه به احتمال حکومتی و مؤقت بودن بسیاری از احکام شارع.
۵. رویکرد تبعدی نسبت به غالب نصوص حتی نصوص غیرمناسکی و عدم توجه به تفاسیر عقلانی و ناظر به رتق و فتق امور دنیای مکلفین از آنها.

چالشهای رویکرد نص گرایی در حل مسائل فقه شهر

۱. تعارض با کرامت انسانی

یکی از مهم ترین تعارضات با کرامت انسانی در حل مسائل فقه شهر، در رابطه با چگونگی تعامل با کفار به خصوص کفار حربی است. گمان عموم مردم درباره کافر حربی، کافری است که در حال جنگ با مسلمانان است؛ اما در اصطلاح فقهی، کافر حربی، کافری است که در ذمه مسلمانان نیست و جزیه نمی پردازد. با این وصف، تمام غیرمسلمانانی که ساکن ایران نیستند، مصداق کافر حربی اند و بنابر فتوای فقهای سنتی، نه مالشان احترامی دارد و نه ناموسشان. این امر تا آنجا در فقه سنتی شیعی ریشه دوانده است که در کتاب خمس و باب غنائم کتاب الجهاد، مسئله ای به نام «حکم السرقة من الکفار» مطرح شده و تقریباً تمام فقها حکم به جواز آن داده اند.

برخی از احکام کفار اما اختصاصی به کافر حربی نداشته تا با قول به ذمی بودن غالب کفار، راه فراری از آنها فرار و قرار داده شود، بلکه در رابطه با عموم کفار است. از جمله این احکام می توان، حکم جواز هتک، غیبت و اذیت کافر را نام برد.

۲. ناکارآمدی در عمل

از دیگر خصوصیات طرفداران رویکرد نص‌گرایانه به فقه، بی‌توجهی آنها به امکان‌پذیر بودن یا نبودن اجرای فتوهایشان در جامعه است. برخی از مصادیق این امر در فقه شهر، به قرار زیر است:

الف: عدم جواز نقاشی و مجسمه سازی جاندار؛ این امر موجب عدم امکان استفاده از تصاویر و مجسمه های کامل شخصیت های مذهبی و تاریخی برای زیباسازی شهر می شود.

ب: عدم امکان تغییر کاربری زمین وقفی، جز در فرض ضرورت: به نظر اکثر فقهای شیعه، تغییر کاربری ملک وقفی، تنها در صورت ضرورت جایز است. با این وصف، تغییر کاربری املاک وقفی در بسیاری از طرح های شهری که غرض از آن، صرفا بهبود وضع معیشت شهروندان است، از آنجا که مصداق «ضرورت» نیست، ناممکن خواهد بود. این مشکل عملا به تعطیلی بسیاری از طرح های شهری به خصوص در شهرهای مذهبی مانند مشهد و قم که اکثر زمینهای آنها وقفی است می گردد.

همچنین به باور ایشان، تغییر کاربری زمین وقفی زراعی به مسکونی از جانب مدیریت شهری، حقی را برای شهرداری در تملک بخشی از زمین برای استفاده در مصارفی از قبیل فضای سبز و ... ایجاد نمی کند. با این وصف، اگر یک شهرک تماما وقفی باشد، شهرداری نمی تواند هیچ خیابان یا فضای سبزی را در آنجا ایجاد کند!

ج: عدم امکان اختصاص سالن برای هنرهای نمایشی؛ فتاوی نص گرایان درباره احکام اختلاط زن و مرد، هجو، هزل و... در هنرهای نمایشی، در عمل، امکان بقای هنرهای نمایشی در کشور را به صفر می‌رساند. اجرای هنرهای نمایشی و درخشش فیلم‌های ایرانی در جشنواره‌های خارجی نیز مدیون سهل‌انگاری ناظران حاکمیتی در عمل به این فتوای شرعی و اعمال نکردن جزء به جزء این فتواها درباره این فیلم‌هاست؛ وگرنه بنابر فتوای ایشان، تصویرسازی زن و شوهر در هنرهای نمایشی یا شرایط پشت صحنه این فیلم‌ها که طبق فتوا، عوامل آن یا همگی باید زن باشند و یا همگی مرد، تقریباً به هیچ نحو امکان‌پذیر نیست.

د: حرمت اخذ دیرکرد از بانک و عوارض شهری؛ غالب فقهای شیعه، جریمه دیرکرد را نامشروع می‌دانند. این در حالی است که عدم دریافت این گونه جرایم، موجب کاهش میل شهروندان به پرداخت به موقع عوارض شهرداری و بالتبع، عدم تحقق بودجه شهرداری در موعد مقرر می‌شود.

ه: به رسمیت شناخته نشدن شخصیت حقوقی: به رسمیت نشناختن شخصیت حقوقی توسط بسیاری از فقها، موجب تبدیل اموال دولتی و عمومی به «مجهول المالک» می‌گردد. مجهول المالک شدن این اموال اما، چالشهای فراوانی را به دنبال دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از: مشروعیت دستبرد به اموال دولتی تحت عنوان «لقطه»، عدم لزوم تبعیت از قانون در رابطه با اموال دولتی و

۳. تضييع حقوق مردم

الف: به رسمیت نشناختن تضييع وقت: فقه سنتی، تضييع وقت را مصداق عنوان محرمی نمی‌داند. بنابراین اگر کسی موجب ایجاد ترافیک و تضييع وقت مردم گردد، حرامی را

مرتکب نشده است، بلکه حتی اگر حرامی هم مرتکب شده باشد، قطعاً ضمانی را برای وی به دنبال نخواهد داشت.

ب: عدم ضمان در صورت کاهش ارزش ملک: برخی از طرحهای شهری و تغییر کاربریهایی که صورت می‌گیرد، منجر به کاهش ارزش املاک می‌گردد. به باور نص گرایان اما اجرای این گونه طرحها از آنجا که موجب «اضرار» بر مالکین نمی‌گردد بلکه تنها «عدم النفع» را برای آن‌ها به دنبال دارد، ضمانی را از جانب مدیریت شهری به دنبال ندارد.

ج: جواز تملک شخصی میراث فرهنگی و معادن: از آنجا که در جامعه امروز، میراث فرهنگی، در زمره هویت فرهنگی یک کشور و قوم و امری عمومی تلقی می‌شود، روشن است که تجویز تملک آن توسط فرد یا افرادی خاص، به صرف کشف توسط آنها، موجب تضییع حقوق سایر مردم در جواز استفاده از آن میراث عمومی می‌گردد. نص گرایان اما با توجه به برخی نصوص و بی توجه به شرایط صدور و قرائن همراه آنها، حکم به جواز تملک شخصی میراث فرهنگی و معادن توسط افراد می‌نمایند.

د: به رسمیت شناخته نشدن حق شادی: حق شادی و آرامش، از آنجا که در نصوص مورد تصریح قرار نگرفته است، به باور نص گرایان، در زمره حقوق افراد به شمار نمی‌آید، لذا هیچ‌گاه موضوع جریان قواعد مرتبط با حقوق مانند لاضرر نیز نمی‌گردد. با این وصف، برخی تصمیمات مدیران شهری یا غیرشهری که منافی با حق شادی مردم است، بی هیچ مانعی اجرایی می‌گردد. مخالفت با ایجاد اماکن تفریحی حلال در شهرهای زیارتی، از تصمیماتی است که به روشنی منافی با حق شادی و تفریح ساکنان شهرهای زیارتی است.

ه: به رسمیت نشاخصن حقوق معنوی: اکثر فقهای سنتی، مالکیت معنوی را به رسمیت نمی شناسند. همین امر موجب می شود علاقه ای برای تولید ایده های خلاق در میان شهروندان و مدیران شهری وجود نداشته باشد.

ه: تجویز رانت اطلاعاتی: یکی از مهمترین مصادیق رانت اطلاعاتی، در شهرداری ها و به واسطه اطلاعات مدیران شهری از تغییرات کاربری زمین ها و افزایش و کاهش قیمت ساختمان ها به جهت طرح های شهرداری رخ می دهد. مباح دانستن استفاده از رانت های اطلاعاتی و قول به عدم مشروعیت تنها در صورت اخلال به نظام (که با وجود رانتهای مختلف، هنوز رخ نداده است و به این راحتی ها هم رخ نمی دهد) و فتاوی غیرجازمانه در حرمت استفاده از رانت اطلاعاتی، موجب ایجاد فسادهای اقتصادی فراوانی می شود که صورتی مشروع نیز دارد.

۴. ترویج بی اخلاقی در جامعه

الف: تجویز توریه: تجویز توریه از سوی غالب فقهای شیعه، موجب ایجاد جو بی اعتمادی بین شهروندان و مدیریت شهری و همچنین کارکنان مدیریت شهری می گردد؛ زیرا بر اساس این فتوا، ممکن است هر حرفی، در ظاهر خلاف واقع گفته شده باشد و مع ذلک حرمتی نیز متوجه شخص نباشد. همچنین اساساً، طبق این فتوا، هیچ گاه دروغگو بودن فردی احراز نمی شود، زیرا همواره این امکان وجود دارد که با تغییر نیت، توریه گفته باشد و توریه نیز مباح است.

ب: تجویز قماربازی کودکان: متعاطیان این رویکرد، تمام تکالیف را منوط به بلوغ شرعی می دانند. با این وصف، انجام محرمات توسط کودکان نابالغ، محذور شرعی را به دنبال ندارد (البته به استثنای برخی محرمات مانند زنا و لواط که تغزیر دارد) و لذا ایجاد مراکزی که در آن ها بازیهای حرام مانند بازیهای همراه با شرط بندی توسط این کودکان

انجام شود نیز محذوری را در پی نخواهد داشت. عنوان تسبیب به حرام نیز تنها در موارد منصوص شرعی جاری است و در همه موارد جاری نیست. دلیل حرمت اکل به باطل و حرمت اعانه بر اثم نیز در مقام جاری نیست.

ج: ترویج عدم احترام به قانون: وجود تفصیل در لزوم عمل به قانون در فتاوی متعاطیان این رویکرد، موجب ترویج بی قانونی می شود.

د: تجویز رشوه به غیرقاضی: مشهور فقها، رشوه را تنها به قاضی جور حرام می دانند. لذا در رابطه با سایر انواع رشوه، مثل رشوه به مدیران شهری، غالباً فتوای قاطع و روشنی نمی دهند.

ه: جواز خلف وعده: به نظر بسیاری از فقها، خلف وعده مادامی که در ضمن عقدی لازم نباشد، حرام نیست. با این وصف دیگر نمی توان نه به وعده های مدیران شهری اعتنا کرد و نه به التزامات ابتدایی مراجعین به ایشان. هم چنین در این صورت، انجام وعده با علم به عدم تحقق آن نیز بلامحذور خواهد بود.